

اجرای سیاست ناسیونالیسم منفی در ایران

۱۷ مرداد ۱۴۰۳ ساعت ۲۰:۳۰

ناسیونالیسم منفی ایران را به این تفکر سوق داد که هیچ یک از کشورها حق غارت منابع ملی ایران را ندارند. این جنبش در نهایت توانست با همراهی مردم، صنعت نفت ایران را ملی کند و دست انگلیس را از نفت ایران کوتاه کند.

دکتر مصدق را یکی از بزرگ‌ترین عاملان اجرایی سیاست ناسیونالیسم منفی یا موازنه منفی می‌دانند. اما منظور از موازنه منفی چیست و چرا دکتر مصدق این سیاست را اتخاذ کرد؟ ناسیونالیسم منفی در زمان مواجهه دکتر مصدق با موضوع ملی شدن نفت اتخاذ شد. این سیاست تاثیر قابل توجهی بر روابط ایران با کشورهای خارجی داشت. مطابق با این سیاست روابط ایران با بسیاری از کشورها از جمله انگلیس و شوروی تغییر کرد و رویکرد جدیدی در سیاست کشور اتخاذ گردید. مفهوم دقیق ناسیونالیسم منفی و تاثیر آن بر سیاست خارجی ایران، موضوعی است که در ادامه به آن پرداخته شده است.

موازنه منفی چیست؟

سیاست موازنه منفی در مقابل موازنه مثبت قرار دارد. موازنه مثبت به معنای همکاری با کشورهای دیگر و همسوئی با منافع آنان است. این سیاست گاه مستلزم واگذاری برخی از امتیازات جهت نیل به اهداف خاص نیز است. اما موازنه منفی در مقابل این سیاست قرار دارد و به معنای عدم ارتباط با کشورها است. البته این سیاست به معنای لزوم قطع رابطه با همه کشورها نیست و گاه ممکن است شامل کشورهایی که به نظر می‌رسد قصد تعدی به استقلال سیاسی یا اقتصادی یک کشور را دارند شامل شود. از سیاست موازنه یا ناسیونالیسم منفی به عنوان سیاست عدم تعهد نیز یاد می‌شود. دکتر مصدق از جمله افرادی بود که این سیاست را انتخاب کرد و تا حدودی نیز در آن موفق بود. اما پیش از او امیرکبیر نیز این سیاست را اتخاذ کرده بود. امیر کبیر هنگامی زمام امور کشور را به دست گرفت که مملکت دچار آشفتگی بود و سرنوشت ایران در معرض زد و بندها و سازش‌های دو دولت قوی روس و انگلیس قرار داشت. امیر کبیر به منظور حفظ استقلال و حاکمیت کشور از سیاست خارجی ایران که تا آن زمان همیشه یک طرفه بود تجدید نظر کرد و به جای اتکاء به یکی از دول همسایه بر ضد دیگری، سیاست موازنه منفی را در پیش گرفت.^[۱]

موازنه منفی دکتر مصدق چه زمانی اتخاذ شد؟

دکتر مصدق را می‌توان دومین سیاستمدار ایرانی دانست که سیاست موازنه منفی را در پیش گرفت. داستان از اوایل سال ۱۳۲۳ آغاز شد. پنج استان در شمال ایران در نزدیکی روسیه وجود داشت که در آنها ذخایر بزرگ نفت وجود داشت. این استان‌ها در قرارداد ایران و انگلیس در مورد اینکه چه کسی می‌تواند منابع نفتی ایران را کنترل و بهره‌برداری کند، لحاظ نشده بود. این

منطقه با نفت به میدان نفت شمال معروف شد. روس ها برای مدت طولانی علاقه مند به دسترسی به این نفت بودند. زمانی که نمایندگان از شرکت های نفتی آمریکا و انگلیس به ایران آمدند تا درباره دریافت مجوز استخراج نفت از مناطق دیگر ایران صحبت کنند، دولت شوروی فرصتی را دید که خواستار دسترسی به میادین نفتی شمال نیز شود. این امر مشکل بزرگی را بین ایران و شوروی ایجاد کرد که به بحران نفت شمال معروف است. شوروی از نفوذ خود در ایران، از جمله نیروهای مسلح و احزاب سیاسی خود، برای تحت فشار گذاشتن دولت ایران استفاده کرد تا کنترل مناطق نفتی شمال را به آنها واگذار کند. تنش و فشار زیادی از طرف های مختلف از جمله روزنامه های مرتبط با احزاب سیاسی، شایعه پراکنی و تلاش برای دستکاری افکار عمومی وجود داشت. با این حال، در نهایت با تصویب قانونی در مجلس ایران، بحران حل شد که بر اساس آن دولت نمی تواند بدون تصویب مجلس درباره نفت معامله کند. این قانون توسط دکتر مصدق پیشنهاد شد و مورد حمایت اکثریت مجلس قرار گرفت. این تصمیم هر گونه اقدام در حوزه نفت شمال را تا زمانی که بعداً مجلس در مورد آن تصمیم گیری کند به تعویق افتاد. [۲]

ابتکار دکتر مصدق به سیاست موازنه منفی معروف شد. او در جلسه ۱۱ آذر ماه ۱۳۲۳ هنگام شور در برنامه حکومت بیات نطق مفصلی ایراد کرد و ضمن مخالفت با اعطای امتیاز نفت به دولت شوروی گفت: عرایضی که کردم در مصالح مملکت و منافع آن دولتی است که طالب موازنه سیاسی است. هرگاه ما تعقیب از «سیاست مثبت بکنیم باید امتیاز نفت شمال را هم برای ۹۲ سال بدهیم و به این طریق موازنه سیاسی برقرار کنیم گذشته از این که ملت ایران برای همیشه و اکنون مجلس با این کار موافق نیست. [۳] دکتر مصدق در بخش دیگری از سخنان خود واگذاری امتیاز نفت شمال را اینگونه توصیف کرد: دادن امتیاز مثل این است که مقطوع الیدی برای حفظ موازنه راضی شود که دست دیگر او را هم قطع کنند. در صورتیکه هر مقطوع الیدی برای حفظ ظاهر هم شده باشد طالب دست مصنوعی است... در اجرای همین سیاست بود که مجلس پانزدهم - هر چند مصدق به نمایندگی آن انتخاب نشده بود - مقاوله نامه قوام - سادچیکوف درباره نفت شمال را در جلسه ۲۹ مهر ۱۳۲۶ کأن لم یکن شناخت. [۴]

تاثیر سیاست موازنه منفی بر سیاست خارجی

ناسیونالیسم منفی دکتر مصدق پیامدهای خاصی داشت. فوری ترین پیامد این سیاست، ماجرای اشغال آذربایجان توسط پیشه‌واری و نیز دعاوی تجزیه طلبانه بارزانی بود که شوروی در پشت آن قرار داشت. به عبارتی اتحاد جماهیر شوروی که متعهد شده بود بعد از پایان جنگ جهانی دوم ایران را تخلیه کند از این امر سر باز زد و با حمایت از جنبش پیشه‌روی در صدد اشغال ایران برآمد. اما پیامد مهم تر سیاست موازنه منفی شکل گیری جنبشی ملی - مذهبی به رهبری دکتر مصدق و آیت الله کاشانی برای ملی کردن صنعت نفت بود. در واقع ناسیونالیسم منفی ایران را به این تفکر سوق داد که هیچ یک از کشورها حق غارت منابع ملی ایران را ندارند. این جنبش در نهایت توانست با همراهی مردم، صنعت نفت ایران را ملی کند و دست انگلیس را از نفت ایران کوتاه کند. هر چند در نهایت انگلیس با همراهی آمریکا توانست دکتر مصدق را از قدرت عزل کند و مجدداً اداره نفت ایران را به دست بگیرد.

سخن نهایی

سیاست موازنه منفی در دوره دکتر مصدق توانست نقش کشورهای بیگانه را در امور داخلی کشور کمرنگ کند. اما این سیاست علیرغم تمام نکات مثبت خود و پیروزی هایی که به همراه داشت با شکست مواجه شد. منظور از شکست، کودتای ۲۸ مرداد بود

که دکتر مصدق را به طور کامل از صحنه سیاست حذف کرد. جدا از دلایل سیاسی و برخی از اشتباهات دکتر مصدق، باید گفت علت اصلی شکست این سیاست عدم همراهی شاه با مردم و نمایندگان مردمی بود. شاه برای حفظ و تقویت قدرت خود مردم را قربانی بیگانگان کرد تا از این طریق اهداف سیاسی خود را محقق کند.

[۱] - علیرضا کاوه جبللی، سیاست خارجی امیرکبیر، تهران، انتشارات جویا، ۱۳۷۱، ص ۵

[۲] - موسی نجفی و موسی فقیه حقانی ، تاریخ تحولات سیاسی ایران بررسی مؤلفه‌های دین، تجدد و مدنیت در تأسیس دولت - ملت در گستره هویت ملی ایران، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۱، ص ۴۶۵

[۳] - عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، از پایان جنگ جهانی دوم تا سقوط رژیم پهلوی، تهران، مؤلف، ۱۳۶۸، صص ۵۴-۵۵

[۴] - همان

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۴۹۷۴۶/ایران-منفی-ناسیونالیسم-سیاست-اجرای>